

محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۲۳
پندهای جاویدان / محمد محمدی اشتهاردی - قم: انتشارات مهدی بار، ۱۳۸۳.
۷۲۰ ص.

ISBN 964 - 7643 - 56 - X

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
چاپ قبلی: کتاب آشنا، ۱۳۷۹ (۳ ج در یک مجلد).
کتابنامه به صورت زیر نویس.
۱. اسلام - - مسائل متفرقه. ۲. اخلاق اسلامی. ۳. احادیث اخلاقی. الف. عنوان.

BP ۴/۶/۳ ۱۳۷۹ ۲۹۷/۰۲
کتابخانه ملی ایران ۷۹/۱۵۱۱۶



انتشارات مهدی بار

نام کتاب: پندهای جاویدان
مؤلف: محمد محمدی اشتهاردی

ناشر: مهدی بار

طراح و گرافیک: مسعود نجابتی

صفحه آرایشی: سجاد

نوبت چاپ: دوم (اول ناشر) زمستان ۸۳

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

چاپ: فاضل

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

ISBN 964 - 7643 - 56 - X

مراکز پخش:

قم: خیابان آیه الله نجفی مرعشی - کوچه ۱۱ - پلاک ۳۰۷

بنیاد فرهنگی پیام اسلام - صندوق پستی ۷۵۹ و ۱۱۹

تلفن: ۷۷۴۱۸۴۷ - ۷۷۴۲۴۹۸

تهران: ناصر خسرو، کوچه حاج نایب، شماره ۸

انتشارات نبوی - صندوق پستی ۱۴۷۴/۱۵۸۱۵

تلفن ۳۹۸۲۶۶۳ - ۳۹۱۰۳۶۷ شماره ۳۹۰۰۸۸۲

کلیه حقوق این کتاب متعلق به انتشارات نبوی می باشد
و برای بک چاپ به انتشارات مهدی بار واگذار گردید.

فهرست

پیش‌سخن	۱۷
شرایط نویسندگی و گویندگی	۲۱
توصیه به مبلغین و وعظ	۲۳
توجه به ده امر مهم در سخنرانی‌ها	۲۴
۱- احتیاط در زبان	۲۴
۲- احتیاط در خواندن آیات و روایات	۲۵
۳- احترام به ذکر مصایب آل محمد (علیهم‌السلام)	۲۵
۴- رعایت مقام شهداء	۲۶
۵- بیان فضایل و مناقب خاندان رسالت	۲۶
۶- نشستن در جای مناسب و پوشیدن لباس فاخر	۲۷
۷- احترام به بزرگان	۲۷
۸- لباس سیاه و پای برهنه!	۲۷
۹- عزت نفس و بلند همتی!	۲۸
۱۰- مراعات مقتضیات مجالس	۲۹
توصیه به گردانندگان مجالس وعظ و سوگواری	۲۹
۱- تذکر به علماء و بزرگان دین	۲۹
۲- توصیه به بانیان مجالس و گردانندگان هیئت‌ها	۳۰
۳- توصیه به اهل مجلس و شنوندگان	۳۰
بخش ۱	
فصل اول	
شرح کوتاهی از ده آیه قرآن و ده حدیث	۳۵
۱. حیلۀ بت‌پرستان	۳۵
۲. گل سرسید موجودات	۳۶
۳. مجمع بزرگ اسلامی	۳۸
رفع اختلاف بزرگ، توسط پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)	۳۹
توصیه لازم	۴۰
۴. دشمنی خطرناک: در کمین انسان	۴۱
۵. شرح واژه «کوش»	۴۴
نبوت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)	۴۵
قرآن!	۴۵
علم و دانش	۴۶
حکمت و اندیشه	۴۶
فراوانی پیروان	۴۷
پیروزی‌های بسیار و پشت سرهم	۴۸
آنچه در این سوره مبارکه بیشتر قابل توجه است!	۴۸
۶. سمت‌های پیامبر اسلام	۵۰

۶. نمونه‌ای از کرم امام صادق علیه السلام ۵۲
۷. مبارزه مثبت و منفی و مراحل امر به معروف و ۵۲
۸. فقط یک پند (اخلاص) ۵۶
۹. توجه در انتخاب غذای حلال ۵۸
۱۰. کيفر سخت عیب‌جویی ۶۱
- شرح کوتاه ده حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام ۶۴
۱. کم حرفی، قناعت، ترک هوس‌ها و توکل ۶۴
- الف: کم حرفی ۶۵
- ب: قناعت ۶۷
- ج: پرهیز از هوس‌های انحرافی ۶۷
- د: توکل ۶۸
۲. امر به معروف و نهی از منکر و ۷۰
۳. عوامل بی‌نیازی از پزشک ۷۲
- ۱- آماده غذا خوردن نشو، جز در صورت گرسنگی! ۷۲
- ۲- حتماً در حالی که میل و اشتها به غذا داری ۷۲
- ۳- در موقع خوردن غذا مراقب باش تا خوب ۷۳
- ۴- قبل از غذا حتماً قضاء حاجت کن ۷۳
۴. اهمیت نظافت در اسلام ۷۴
۵. معنی پارسایی، و معرفی زاهد و زهد در اسلام ۷۵
۶. خصال نیک زن برای حفظ حقوق شوهر ۷۸
۷. برتری هوشمندی بر عبادات خشک ۸۰
۸. نشانه‌های منافق، و پرهیز از او ۸۱
- مسئله ولایت و محبت علی علیه السلام ۸۲
۹. هراس شیطان از مراقبت در نماز ۸۳
۱۰. یک دوست با وفا در میان سه دوست ۸۶
- آرزوی جبرئیل ۸۷
- فصل دوم** ۸۹
- داستان‌های آموزنده ۸۹
۱. محکوم شدن ابوحنیفه ۸۹
۲. شجاعت و ایمان ۹۱
۳. جوانمردی و کرم علی علیه السلام و پاداش خدا به او ۹۴
۴. ترور نافرجام به جان آقای فلسفی ۹۵
۵. قاضی هوشمند ۹۸
۶. نمونه‌ای از کرم امام صادق علیه السلام ۱۰۰
۷. پدر یتیمان ۱۰۱
۸. پیش بینی ملکوتی از قیام امام خمینی علیه السلام ۱۰۲
۹. کوشش آیت‌الله بروجردی برای تقوای طلبه‌ها ۱۰۳
- حسن ظن و دلبستگی آیت‌الله بروجردی به خدا ۱۰۳
۱۰. مهربانی و حلّیت طلبی آیت‌الله بروجردی ۱۰۴
۱۱. ماجرای ایثار علی علیه السلام در لیلۃ النبی ۱۰۵
- از هر گوشه‌ای سخنی! ۱۰۷
- خوابیدن علی علیه السلام در خوابگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله ۱۰۹
- مباهات خداوند به ملائکه از خوابیدن علی علیه السلام! ۱۱۰
- تلاش مذبحخانه کفار قریش ۱۱۱
- جلوه فداکاری و اخلاص در اشعار علی علیه السلام ۱۱۳
۱۲. ابوذر راستگو و برتری علی، بر موسی ۱۱۴
- رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه ابوبکر در غار ثور ۱۱۵
- به بقیه داستان توجه کنید ۱۱۸
۱۳. حضرت علی علیه السلام حلال مشکلات ۱۱۹
۱۴. حادثه‌ای عجیب در زلزله قزوین ۱۲۰
۱۵. امام زمان (عج) به صابونی اجازه دیدار نداد ۱۲۳
۱۶. مثال و نتیجه اختلاف ۱۲۴
۱۷. هلاکت حسود ۱۲۶
۱۸. شیرزنی نزد دشمن سرسخت علی علیه السلام ۱۲۷
۱۹. تقلید کورکورانه ۱۳۲
۲۰. روزی خواهد آمد که جغد در خرابه‌های کاخ ۱۳۳
۲۱. ماجرای اصحاب کهف ۱۳۴
- خریداری غذا ۱۳۹
۲۲. داستان اصحاب رقیع ۱۴۰
۲۳. ارجمندی خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله در پیشگاه خدا ۱۴۱
۲۴. سفیران علی علیه السلام و معاویه در دربار روم ۱۴۳
۲۵. نمونه‌ای از شهامت علی اکبر علیه السلام ۱۴۶
۲۶. درسی از اخلاق پیغمبر صلی الله علیه و آله ۱۴۷
۲۷. غلام با ایمان ۱۴۷
۲۸. شیطان در کمین موسی علیه السلام ۱۴۹
۲۹. نتیجه حالت خودپستندی ۱۴۹

۳۰. نمونه‌های از اخلاص محمّد ﷺ ۱۴۹
۳۱. وساطت عیسی برای آزاد کردن آهو ۱۵۱
۳۲. مَلّی گرای نافرجام ۱۵۱
۳۳. فلسفه وجودی روحانیون (خاطرهای از فلسفی) ۱۵۲
- فصل سوم**
- پندها، نکته‌ها و ضرب‌المثل‌ها** ۱۵۵
۱. ارزش خواب دانشمند ۱۵۵
۲. پندابلیس به موسی ۱۵۵
۳. یخیل سنگدل ۱۵۶
۴. رحمت خدا ۱۵۶
۵. دست راست حاتم طائی ۱۵۷
۶. جواب منطقی ۱۵۷
۷. همت بلند از حاتم ۱۵۷
۸. گفارش دغلیاز ۱۵۸
۹. اسم‌های زیاد و قیمت کم ۱۵۸
۱۰. یوسف پاک سرشت ۱۵۹
۱۱. پاسخ کوبنده به شعار دشمن ۱۶۰
۱۲. نموداری از رسالت و معجزات عیسی ﷺ ۱۶۰
۱۳. معلم اتوشیروان عادل ۱۶۲
۱۴. اخلاق پسندیده ۱۶۳
۱۵. خدای عمر می‌داند ۱۶۳
۱۶. مشورت با زنان تنگ نظر ۱۶۴
۱۷. حسن انتخاب ۱۶۵
۱۸. تخم‌گذاری گوناگون پرندگان ۱۶۶
۱۹. غذای ساده سلیمان ﷺ ۱۶۷
۲۰. سفر به ستارگان ثواب ۱۶۷
۲۱. جو انفرادی حاتم و نقش فهمیدن در رفع اختلاف ۱۶۸
۲۲. دعای اثربخش ۱۶۸
۲۳. نموداری از عدل و سحبت ۱۶۹
۲۴. سخاوت و بزرگواری علی ﷺ ۱۷۰
۲۵. اهمیت حق الناس ۱۷۰
۲۶. مثال و نتیجه ریا ۱۷۰
۲۷. بقا را طلب کن ۱۷۱
۲۸. چرا عطسه می‌کنیم؟ و راه جلوگیری از آن ۱۷۱
۲۹. هر چه بیشتر خدمش بی‌کنی سرکش تر ۱۷۲
۳۰. آتسفِر (کره هوا) ۱۷۳
۳۱. از فضل پدر تو را چه حاصل؟ ۱۷۳
۳۲. هشت اندرز از کتاب‌های آسمانی ۱۷۴
۳۳. کره عابد ۱۷۶
۳۴. پس انداز برای آخرت ۱۷۷
۳۵. سزای ناشکری ۱۷۷
۳۶. پند لقمان حکیم به فرزندش ۱۷۸
۳۷. مرگ چیست؟ ۱۷۸
۳۸. برنده جایزه از سه شاعر بزرگ ۱۷۹
۳۹. اعتراض سلمان به ابوذر در مورد بی‌اعتنایی ۱۷۹
۴۰. ساده زیستی و قناعت سلمان ۱۸۰
۴۱. سه حدیث جالب از امام جواد (ع) ۱۸۰
۴۲. نیکی بی‌رحمانه ۱۸۱
۴۳. پادشاه یکگواهی ۱۸۲
۴۴. کیفر آدم خشن و مقام مادر ۱۸۲
۴۵. نشانه‌های فرزند غیر قانونی ۱۸۳
۴۶. عیادت ناصحیح ۱۸۳
۴۷. پرهیز از پُرچانکی ۱۸۴
۴۸. پاسخ قاطع امام صادق (ع) به طاغوت ۱۸۴
۴۹. ذلت محمدرضا پهلوی ۱۸۵
۵۰. عزت امام خمینی (ع) ۱۸۵
۵۱. راه اصلاح جامعه ۱۸۶
۵۲. شش دلیل بیچارگی انسان در برابر خدا ۱۸۷
۵۳. مکافات عمل به دست ظالم ۱۸۷
- ضرب‌المثل‌ها ۱۸۸
- اگر علی ساریان است می‌داند شتر را کجا بخواباند ۱۸۸
- هم خدا هم خرما ۱۸۸
- بار کج به منزل نمی‌رسد ۱۸۸
- با توکل زانوی اشتراک بیند ۱۸۹
- حسن‌علی جعفر ۱۸۹

- دسته گلی به آب داده ۱۸۹
- سوراخ دعا را کم کرده ۱۹۰
- دعوا سر لحافت ملأ بود! ۱۹۰
- الاغ ما از کزگی دم نداشت ۱۹۰
- جلو دریا را می توان بست، ولی دهن مردم رانه ۱۹۲
- رای کفش دوز درباره کلاه غلط است ۱۹۳
- کار پاکان را قیاس از خود مگیر ۱۹۴
- آن وقت که جیک جیک مستانت بود، یاد زمستان ۱۹۵
- اشک او مثل اشک تمساح می ریزد ۱۹۶
- بر سیه دل چه سود خواندن و عطف ۱۹۶
- چه کشکی چه پشمنی ۱۹۶
- دو صدمن استخوان باید که صدمن یار بردارد ۱۹۷
- مثل هایی که نیازی به توضیح آنها نیست ۱۹۸
- فصل چهارم**
- فکاهیات، لطیفه ها و اشعار پند آموز** ۱۹۹
- اشاره** ۱۹۹
۱. راستی و درستی ۲۰۰
۲. اشتیاق پیامبر ﷺ به شوخی ۲۰۱
۳. خوب شد مردی! ۲۰۱
۴. دعای بی موقع ۲۰۲
۵. اسباب کشی ۲۰۲
۶. پیرزن مقدس مآب ۲۰۲
۷. بهانه جویی ۲۰۳
۸. زرنگی ۲۰۳
۹. دروغگو رسوا می شود ۲۰۳
۱۰. از کوزه برون همان تراود که در اوست ۲۰۳
۱۱. پیری ۲۰۴
۱۲. یزید را هیچ کس قبول ندارد ۲۰۵
۱۳. اَلْأَسْخِيَّةُ عَلَةُ الْاِتْصَام ۲۰۵
۱۴. ول خرجی ۲۰۵
۱۵. گنگی و مستی ۲۰۶
۱۶. خوش کلامی روضه خوان ۲۰۶
۱۷. حمام های خزانه دار ۲۰۶
۱۸. جواب تاجر به گدا ۲۰۶
۱۹. تیر انداز ناشی و فیلسوف زرنگ ۲۰۷
۲۰. پیرزن و سیاه به بهشت نمی روند! ۲۰۷
۲۱. حَتَّى عَلَى الزُّكُورَةِ ۲۰۸
۲۲. فایده یارانی ۲۰۸
۲۳. دلیل های دندان شکن!! ۲۰۸
۲۴. استفاده دلخواه از دین ۲۰۸
۲۵. پاسخ بهلول به سؤال هارون ۲۰۹
۲۶. زن و وام ۲۰۹
۲۷. لاف بی جا ۲۱۰
۲۸. حاضر جوابی ۲۱۰
۲۹. تا به حال پنج گریه فروخته ام ۲۱۰
۳۰. جواب لطیف یهودی ۲۱۱
۳۱. پیغمبر خرها و گاوها ۲۱۱
۳۲. عاقبت اندیشی ۲۱۲
۳۳. زرنگی مسلمان! ۲۱۲
۳۴. دستور طبّی ۲۱۳
۳۵. ترک واجب کرده اید ۲۱۳
۳۶. در سال دو روز دیوانه می شوم ۲۱۴
۳۷. فرصت نکرده ام ۲۱۴
۳۸. آقا! حلال، حلال!! ۲۱۵
۳۹. جواب های عمیق بهلول ۲۱۵
۴۰. شاکر و صابیر ۲۱۵
۴۱. تقلید کورکورانه ۲۱۶
۴۲. ملأ نصرالدین و یهودی ۲۱۶
۴۳. شیرین کاری های بهلول ۲۱۸
۴۴. پیرمرد بهانه جو ۲۲۲
۴۵. مشاعره لطیف ۲۲۳
- اشعار پند آموز ۲۲۴
۱. توحید و ارتباط با خدا ۲۲۴
۲. مناجات با خدا ۲۲۵
۳. علم و دانش ۲۲۶

۲۴۳	۳۷. در شأن علی علیه السلام و توسل به او	۲۲۶	۴. غرور به نعمت
۲۴۴	۳۸. گفتگوی دریا و کوه	۲۲۷	۵. پس چرا انگشت کوچک
۲۴۵	۳۹. ارزش قناعت	۲۲۷	۶. دختران راهمه جنگ
۲۴۵	۴۰. هر آن کس که دندان دهد نان دهد	۲۲۸	۷. شب‌ها، به خرابه‌های
۲۴۵	۴۱. دریغ از بی وفایی دنیا	۲۲۸	۸. ای دادرس مظلومان امام زمان (عج)
۲۴۵	۴۲. بهترین پدر	۲۲۹	۹. اخوت و برادری
۲۴۶	۴۳. بر باد بودن بنیاد عمر	۲۲۹	۱۰. یک نصیحت ز سر صدق
۲۴۷	۴۴. میازار موری	۲۳۱	۱۱. ترسیم عشق و ایثار امام حسین علیه السلام در روز ازل
۲۴۷	۴۵. نوای بلبل	۲۳۲	۱۲. خطاب به نور دیده زهرا! امام حسین علیه السلام
۲۴۷	۴۶. اشعار توحیدی	۲۳۳	۱۳. شرافت علم و دانش
۲۴۸	۴۷. پیش صاحب نظران	۲۳۳	۱۴. از ماست که بر ماست
۲۴۸	۴۸. زیر بار زور	۲۳۴	۱۵. خداشناسی
۲۴۹	۴۹. با دو قبله در ره توحید	۲۳۵	۱۶. روز امتحان
۲۴۹	۵۰. مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و موسی علیه السلام	۲۳۵	۱۷. عاقبت اندیشی
۲۵۰	۵۱. یکی است (و آن علی است)	۲۳۵	۱۸. در سوگ علی علیه السلام
۲۵۰	۵۲. لذت ترک لذت	۲۳۶	۱۹. چشم امید به فاطمه زهرا علیه السلام
۲۵۱	۵۳. برگ سبزی از نگارنده به ولی عصر (عج)	۲۳۶	۲۰. وداع با ماه رمضان
۲۵۲	۵۴. افسوس: افسوس	۲۳۷	۲۱. غلام همت آن رند
۲۵۲	۵۵. دغل دوستان	۲۳۷	۲۲. تقدیم به پیشگاه علی علیه السلام
۲۵۲	۵۶. ساده زیستی علی علیه السلام	۲۳۸	۲۳. از آن معنی سوخت
۲۵۳	۵۷. رحمت خدا	۲۳۸	۲۴. گفتگوی بلبل و باز
۲۵۳	۵۸. علت دشمنی با علی علیه السلام	۲۳۹	۲۵. به حسرت می‌روند
۲۵۳	۵۹. بیداری از خواب غفلت	۲۳۹	۲۶. به یاران کی رسی؟
۲۵۴	۶۰. خطاب به جوانان	۲۳۹	۲۷. مکافات عمل
۲۵۴	۶۱. مثال دوره‌های عمر	۲۴۰	۲۸. توسل به امام زمان (عج)
۲۵۵	۶۲. کاخ مجازی	۲۴۱	۲۹. عاقبت گرگم تو بودی
۲۵۵	۶۳. ای به غفلت گذرانیده	۲۴۱	۳۰. استقامت و کوشش
۲۵۶	۶۴. ندای خروس سحر و هشیاری	۲۴۱	۳۱. فلان و بهمان
۲۵۶	۶۵. مکافات عمل	۲۴۱	۳۲. وراثت
۲۵۶	۶۶. بی وفایی دنیا	۲۴۲	۳۳. بی وفائی دنیا
۲۵۷	۶۷. مرگ ضعیف	۲۴۲	۳۴. چشم نیکی مدار
۲۵۷	۶۸. به یاد شهیدان راه خدا	۲۴۲	۳۵. محمود غزنوی
۲۵۷	۶۹. مدح علی علیه السلام در شعر سعدی	۲۴۳	۳۶. نتیجه دور اندیشی و سهل انگاری

۷۰. برای رهایی از آلودگی مادی ۲۵۸
۷۱. اثر آتش آه ۲۵۹
۷۲. پیام عشق ۲۵۹
۷۳. نتیجه احسان ۲۵۹
۷۴. حکمت خداوند ۲۶۰
۷۵. بی اعتباری دنیا ۲۶۰
۷۶. آرزو دارم ۲۶۰
- چند رباعی بیانگر پندهای گوناگون ۲۶۱

■ بخش ۲

فصل اول

- دوازده ویژگی از ویژگی‌های بندگان خاص خدا
- از دیدگاه قرآن ۲۶۵
۱. تواضع نخستین ویژگی بندگان ممتاز خدا ۲۶۸
- تواضع در برابر خدا ۲۶۸
- تواضع به همدیگر ۲۷۰
- نگاهی به تواضع پیامبر اسلام ﷺ ۲۷۱
- نگاهی به تواضع حضرت علی علیه السلام ۲۷۳
- تواضع امام سجّاد علیه السلام ۲۷۴
- تواضع مثبت و منفی ۲۷۵
۲. تسلط بر اعصاب و رعایت اخلاق نیک ۲۷۶
- ارزش حلم از دیدگاه قرآن ۲۷۸
- حلم و تحمل در سیره امامان علیهم السلام ۲۷۹
۳. عبادت خالصانه و با معرفت ۲۸۲
- عبودیت و بندگی در سیره پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام ۲۸۴
۴. خوف و خشیت از خدا ۲۸۸
- شرح کوتاه ۲۸۸
- خوف از نظر قرآن ۲۹۰
- ارزش خوف از خدا، و گریه از خوف او ۲۹۱
- خوف از خدا در سیره امامان علیهم السلام ۲۹۳
- نمونه‌ای از گریه امام سجّاد علیه السلام از خوف خدا ۲۹۴
- فرازهایی از دعای امام سجّاد در گریه و خوف ۲۹۵
- خوف امام صادق علیه السلام از عذاب الهی ۲۹۶
۵. اعتدال بین اسراف و سخت‌گیری ۲۹۷
- شرح کوتاه ۲۹۷
- معنی اسراف و چهره‌های مختلف آن ۲۹۹
- نکوهش اسراف در انفاق و بخشش ۳۰۰
- شیوع اسراف در انفاق ۳۰۲
- نکوهش شدید امامان علیهم السلام از زیاده‌روی در انفاق ۳۰۳
- پرهیز امام خمینی از اسراف در انفاق ۳۰۶
۸۷۶. نهی شدید از شرک، آدم‌کشی و بی‌عفتی ۳۰۷
- شرح کوتاه ۳۰۷
- ۱- توحید ناب ۳۰۸
- ۲- اجتناب از آدم‌کشی ۳۰۹
- ۳- دوری از بی‌عفتی، و ارتکاب زنا ۳۱۱
- اقدام جدی پیامبران برای حفظ عفت جامعه ۳۱۳
۹. اجتناب از گواهی دروغ و شرکت در مجالس گناه ۳۱۶
- ۱- پرهیز از گواهی به دروغ ۳۱۷
- حدّ قذف و حدّ گواهان ناقص ۳۱۸
- مجازات تهمت زندگان ۳۱۸
- ۲- پرهیز از شرکت در مجالس باطل ۳۱۹
۱۰. اعراض از بیهوده‌گرایی ۳۲۰
- شرح کوتاه ۳۲۰
- غفمت شمردن سرمایه گرانقدر وقت ۳۲۱
- پرهیز امام سجّاد علیه السلام از امور باطل ۳۲۳
- چند فراز از زندگی مردان بیدار و وقت شناس ۳۲۴
۱۱. بهره‌مندی صحیح از قرآن ۳۲۵
- سه گونه‌ی قاریان قرآن ۳۲۸
- چند نمونه از احترام حقیقی به قرآن ۳۲۹
۱۲. دعای ارزشمند و پرمحتوا ۳۳۲
- فصل اول: بررسی دعا و نیایش ۳۳۲
- الف: اهمیت دعا از نظر قرآن و روایات ۳۳۲
- ب: سفارش به دعا، در سخنان پیامبر ﷺ و ۳۳۳
- سه درس مهم در کلاس دعا ۳۳۴
- موانع استجاب دعا ۳۳۵
- پذیرفتن امامت امام برحق، شرط استجاب دعا ۳۳۷

۳۳۸	عدم استجابات دعا‌های بی مورد
۳۳۸	فصل دوم: دعا‌های پرمحتوا و با کیفیت عالی
۳۳۸	خواسته‌های نیک و شایسته، نه بی محتوا
۳۴۰	یک نمونه از دعای حضرت الیاس و امام صادق (ع)
۳۴۱	یک داستان جالب

فصل دوم

۳۴۵	داستان‌های آموزنده
۳۴۵	۱. امام باقر و اسقف مسیحی
۳۴۷	۲. کیفر بی احترامی به مندر
۳۴۹	۳. قضاوت ماهرانه! نقش زن در شادابی شوهر
۳۵۰	۴. خواب دیدن شهریانو
۳۵۲	۵. عبرت و کیفر بزرگ قرن ۲۰ در زلزله ترکیه
۳۵۴	۶. فروپاشی مجلس می‌گساری طاغوت عباسی
۳۵۸	۷. دفاع ابو لهب از پیامبر (ص)
۳۵۹	۸. وفای به عهد و توکل
۳۶۱	۹. اعدام دو قاضی
۳۶۲	۱۰. توکل به ریسمان و دلو
۳۶۳	۱۱. فرار از عدالت
۳۶۷	۱۲. عدالت اسلامی
۳۶۹	۱۳. نفس کشی
۳۶۹	۱۴. زاهدی در نزد طاغوت
۳۷۱	۱۵. قضاوت علی (ع) در یارزد جنازه افتاده در
۳۷۵	۱۶. غلام سیاه ولی سفیددل
۳۷۸	۱۷. پیمان شکنی و دنیای بی وفا
۳۷۹	۱۸. به یاد برمکیان و مکافات عمل آنها
۳۸۲	۱۹. سنگ بزرگی در میان خندق
۳۸۴	۲۰. پاسخ‌های امام حسن (ع) به پرسش‌های مأمور مخفی معاویه
۳۸۵	۲۱. نتیجه پرهیزکاری یک زن غیرتمند
۳۸۹	۲۲. نتیجه سه خصلت بد
۳۹۰	۲۳. پاداش دوستی علی (ع)
۳۹۲	۲۴. پذیرش توبه ابولبابه
۳۹۳	۲۵. او هم به مکافاتش رسید
۳۹۴	۲۶. نابینای دل بینا
۳۹۷	۲۷. امانت به تربیت و گرایش طبیب مسیحی به اسلام
۳۹۸	۲۸. هفت مردانه سلمان در پذیرش اسلام
۴۰۳	۲۹. روستا زاده‌ای که از ملکوتیان ممتاز شد
۴۰۶	۳۰. خواسته آیت‌الله حائری در حرم امام رضا (ع)
۴۰۷	۱. احزال جسم و روح
۴۰۷	۲. شش کلمه به جای ششصد هزار کلمه
۴۰۸	۳. نهی از شش کار
۴۰۸	۴. ولیمه و سور در پنج چیز
۴۰۸	۵. پند تازه جوان؟
۴۱۰	۶. اقسام خواب‌ها
۴۱۰	۷. پنج الاغ زیر بار
۴۱۱	۸. فداکاری و شجاعت مختار در امضا نکردن باطل
۴۱۲	۹. پاسخ علی (ع) به دوازده سؤال
۴۱۲	۱۰. آخرین شعر
۴۱۳	۱۱. روی سنگ قبر پرورین اعتصامی
۴۱۴	۱۲. رحم به مردگان
۴۱۵	۱۳. مقام علم و دانش
۴۱۵	۱۴. توبه نصوح و مهر سرشار خدا
۴۱۶	۱۵. پند گنجشک کاکلی
۴۱۸	۱۶. نوشته‌های روی درهای بهشت و نوزخ
۴۲۰	۱۷. طلب کارها
۴۲۰	۱۸. وصیت پدر به سه آیه قرآن
۴۲۱	۱۹. پسر خیرخواه پدر
۴۲۲	۲۰. توصیه خداوند و غرق بین حیوانات تخم‌کنار و
۴۲۴	۲۱. شجاعت و استقامت ابوذر
۴۲۵	۲۲. گفتگوی شاگرد و استاد پیرامون خداشناسی
۴۲۶	۲۳. دو نهر مؤمن و کافر
۴۲۶	۲۴. درسی از علی (ع) به خضر

- ۴۴۴ ۵۸. راز نامگذاری سه لغت
- ۴۴۵ ۵۹. منازل ششگانه
- ۴۴۵ ۶۰. سرکوبی طغیان شهوت
- ۴۴۶ ۶۱. نتیجه شیرین کلامی
- ۴۴۶ ۶۲. محصول مادر ناپاک
- ۴۴۷ ۶۳. قضاوت عالمانه علی علیه السلام
- ۴۴۷ ۶۴. برای اسلام و اهل اسلام گریه کنید
- ۴۴۸ ۶۵. سخن پرمغز یک زن
- ۴۴۸ ۶۶. سلطان مفرو در دست عزرائیل
- ۴۴۹ ۶۷. هفت نوع خواب
- ۴۴۹ ۶۸. تواضع عمر بن عبدالعزیز
- ۴۵۰ ۶۹. سلطان مهربان
- ۴۵۰ ۷۰. به زمان بد نگوئید
- ۴۵۱ ۷۱. نتیجه نفس کشی
- ۴۵۲ ۷۲. بازار مسلمین را حفظ کنید
- ۴۵۲ ۷۳. درستی رأی خلیان
- ۴۵۳ ۷۴. باید چاه قاضلاب را پوشانید
- ۴۵۴ ۷۵. عقل از نظر روایات
- ۴۵۵ ۷۶. آخرین وصیت امام سجاد علیه السلام
- ۴۵۵ ۷۷. سرانجام بد اخلاقی
- ۴۵۶ ۷۸. اندرز سازنده مهم از علی علیه السلام
- ۴۵۷ ۷۹. بی وفایی دنیا
- ۴۵۸ ۸۰. از کوزه برون همان تراود که در اوست
- ۴۵۸ ۸۱. ادعای بیجا
- ۴۵۹ ۸۲. نتیجه بخل
- ۴۵۹ ۸۳. اثر وضعی چند گناه
- ۴۶۰ ۸۴. گناهکاران بخوانند
- ۴۶۰ ۸۵. پاداش کمک به همسر
- ۴۶۱ ۸۶. آزمایش کردن خداوند
- ۴۶۲ ۸۷. جواب منطقی
- ۴۶۲ ۸۸. فضولی و خاموشی
- ۴۶۲ ۸۹. با آدم ترسو رفیق نشو و نتیجه احسان
- ۴۶۳ ۹۰. حاجی واقعی
- ۴۲۷ ۲۵. رفع سه بیماری به دست علی علیه السلام
- ۴۲۸ ۲۶. فقط یک پند
- ۴۲۸ ۲۷. پند شیطان به نوح علیه السلام
- ۴۲۹ ۲۸. عقلش چگونه است؟
- ۴۳۰ ۲۹. فداکاری تا چه حد؟
- ۴۳۰ ۳۰. پند دانشمند در مورد فاصله ما تا بهشت
- ۴۳۰ ۳۱. ارزش قرأت سوره توحید
- ۴۳۱ ۳۲. ارزش سخاوت
- ۴۳۱ ۳۳. نتیجه اتحاد
- ۴۳۲ ۳۴. تشکر و سپاسگزاری
- ۴۳۲ ۳۵. سؤال‌های پیامبر صلی الله علیه و آله از شیطان و پاسخ او
- ۴۳۳ ۳۶. تقوا، ملاک فضیلت است
- ۴۳۳ ۳۷. پند عمر بن عبدالعزیز
- ۴۳۳ ۳۸. معنای چهار لغت معروف
- ۴۳۴ ۳۹. ادای امانت
- ۴۳۴ ۴۰. شرمندگی ریاکار!
- ۴۳۴ ۴۱. دعای رفع فقر و بیماری
- ۴۳۵ ۴۲. پر خوری پلی از پل‌های شیطان
- ۴۳۵ ۴۳. چند عمل مستحب در عروسی
- ۴۳۶ ۴۴. کبیر تمایل نابجا در قضاوت
- ۴۳۷ ۴۵. پاسخ جالب
- ۴۳۷ ۴۶. قناعت عابد و تحصیل امتیاز آخرت
- ۴۳۸ ۴۷. پرسش و پاسخ
- ۴۳۸ ۴۸. تبدیل آب‌های اندک به سیل
- ۴۳۹ ۴۹. پند خشت
- ۴۳۹ ۵۰. نتیجه اطاعت از شوهر
- ۴۳۹ ۵۱. اثر ظلم سلطان
- ۴۴۰ ۵۲. نتیجه تفرقه و اختلاف
- ۴۴۱ ۵۳. در کارها عجله نکنید
- ۴۴۲ ۵۴. به یاد شهادت قاضی نورالله شوشتری
- ۴۴۳ ۵۵. آدم پول دار
- ۴۴۳ ۵۶. شعری جالب از شهریار
- ۴۴۳ ۵۷. پاداش قلم علمای ریانی

۹۱. چند چیز موجب دیوانگی است و ۴۶۴
۹۲. مثال اهمیت دادن به ایمان ۴۶۵
۹۳. عاجز و احمق کیست؟ ۴۶۵
۹۴. دستور طبعی ۴۶۶
۹۵. خر مقدس ۴۶۶
۹۶. دوری از مواضع تهمت ۴۶۷
۹۷. بیماری دل ۴۶۸
۹۸. اوصاف مؤمن به فرموده علی علیه السلام ۴۶۸
۹۹. یک دستور تربیتی و علمی در مورد انعقاد نطفه ۴۶۸
۱۰۰. برتری رأی با تجربه ۴۷۰
۱۰۱. رفیق باید این صفات را دارا باشد ۴۷۰
۱۰۲. ارزش نصیحت به انسان گمراه شده ۴۷۰
۱۰۳. انتقاد امام صادق از ابوحنیفه ۴۷۲
۱۰۴. نتیجه همنشین بد ۴۷۲
۱۰۵. در قبر چه خبر است؟! ۴۷۴
۱۰۶. نتیجه ترس از خدا ۴۷۴
۱۰۷. حساب رسی مؤمن ۴۷۵
۱۰۸. ارزش فرزند صالح ۴۷۵
۱۰۹. ارزش حفظ ظاهر! ۴۷۶
۱۱۰. به باطن غذا بنگرد و هتل دنیا به نظر واقع بینان ۴۷۶
۱۱۱. نصیحتی در کف دست حضرت خضر علیه السلام ۴۷۸
۱۱۲. از پدرم آموختم ۴۷۸
۱۱۳. سرانجام عیاشی، و مرگ رقاصه و یزید ۴۷۹
۱۱۴. رهبر خود را بشناسید! ۴۷۹
۱۱۵. جواب دندان شکن ۴۸۰
۱۱۶. تعریف صحیح استقامت ۴۸۰
۱۱۷. پاسخ منطقی سقراط و نصیحت جالب پسر ۴۸۰
۱۱۸. پاسخ جالب ۴۸۱
۱۱۹. پاسخ به حافظ ۴۸۲
۱۲۰. نفس اشاره و ازدها ۴۸۲
۱۲۱. مقام سلمان ۴۸۳
۱۲۲. به یاد مجنون و لیلی ۴۸۴
۱۲۳. اثر غذا ۴۸۶
۱۲۴. پیدایش تسبیح ۴۸۶
۱۲۵. نمونه‌ای از خرافات تورات کنونی ۴۸۷
۱۲۶. چند نمونه از مطالب بی اساس انجیل ۴۸۸
۱۲۷. دانشمندی در میان نادانان ۴۹۰
۱۲۸. او نوکر ما است ۴۹۰
۱۲۹. معمای ریاضی ۴۹۱
۱۳۰. معاویه یا نفرین شده رسول خدا ۴۹۲
۱۳۱. خاک بر روی چاپلوس کنید ۴۹۲
۱۳۲. آنها چون زودتر بیدار شده بودند ۴۹۳
۱۳۳. نتیجه شوم طمع ۴۹۳
۱۳۴. لطیف‌ای در ازدواج آسان ۴۹۴
۱۳۵. شناختن سه گروه در سه جا ۴۹۴
۱۳۶. برتری سیرت زیبا بر صورت زیبا ۴۹۵
۱۳۷. مباحثه شیخ بهائی با یکی از علمای سنی ۴۹۶
۱۳۸. پاسخ امام هادی علیه السلام به سؤال قیصر! ۴۹۷
۱۳۹. لقب «میسوب الدین» برای علی علیه السلام ۴۹۷
۱۴۰. کار احمق، و حیلۀ پدر او ۴۹۸
۱۴۱. حمایت از حیوانات ۴۹۸
۱۴۲. نتیجه شوم طمع! ۴۹۹
۱۴۳. فضولی موقوف ۴۹۹
۱۴۴. سخن جالب عرب ۵۰۰
۱۴۵. پاسخ عمیق ابونور به غلام عثمان ۵۰۰
۱۴۶. پند حکمت آموز ۵۰۰
۱۴۷. چشم به هم چشمی ۵۰۱
۱۴۸. راز خنده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۵۰۱
۱۴۹. عاشق کیست؟ ۵۰۲
۱۵۰. تسلط بر آیات قرآن ۵۰۲
۱۵۱. پرسش و پاسخ ۵۰۴
۱۵۲. دستوری از امام در مورد دعا کردن صحیح ۵۰۴
۱۵۳. فرق بین الهام و وحی ۵۰۴
۱۵۴. شاکر و صابر ۵۰۴
۱۵۵. نکته‌ای بسیار جالب (ملاک برتری) ۵۰۵
۱۵۶. جواب دندان شکن به یاوه گو و پاسخ جالب ۵۰۵

۱۵۷. درجات عقل ۵۰۵
۱۵۸. سؤال بی مورد و نتیجه آن ۵۰۵
۱۵۹. خال کوبی قزوینی ۵۰۶
۱۶۰. عاقبت اندیشی ۵۰۷
۱۶۱. سؤال در مورد اعداد روی پاکت‌ها ۵۰۷
۱۶۲. پاسخ شیخ بهایی به نامه غیبت کننده ۵۰۷
۱۶۳. جواب ابوذر ۵۰۸
۱۶۴. پاسخ علی علیه السلام به سؤال یهودی ۵۰۸
۱۶۵. با پدرش شریک هستم! ۵۰۸
۱۶۶. چاپلوسی دورو ۵۰۹
۱۶۷. نتیجه دنیا پرستی یک زن؟ ۵۱۰
۱۶۸. دو حدیث پر نکته! ۵۱۰
۱۶۹. بوقلمون صفقان کیانند؟! ۵۱۱
۱۷۰. راهنمایی امام صادق علیه السلام به عاشق کنیز ۵۱۱
۱۷۱. سؤال و جواب عجیب ۵۱۲
۱۷۲. چاپلوس دنیا طلب ۵۱۳
۱۷۳. انگشتر به دست چپ کردن ۵۱۳
۱۷۴. شباهت علی علیه السلام به پیامبران ۵۱۴
۱۷۵. معجزه ابو حنیفه ۵۱۴
۱۷۶. ده مرو ده مرد را احقق کند ۵۱۵
۱۷۷. لطف خفی ۵۱۵
۱۷۸. دستور طبی ۵۱۶
۱۷۹. به یاد ابو لؤلؤ ۵۱۶
۱۸۰. اعلام رسمی مذهب جعفری در ایران ۵۱۸
۱۸۱. ماده تاریخ لطیف ۵۲۱
۱۸۲. اعراض سلطان محمود از مذهب حنفی ۵۲۲
۱۸۳. پیاده رفتن شاه عباس به مشهد ۵۲۳
۱۸۴. دو عیب داردا! ۵۲۳
۱۸۵. جواب لطیف ۵۲۴
۱۸۶. خیک‌های غسل! ۵۲۴
۱۸۷. امید آن که خیر باشد! ۵۲۵
۱۸۸. اُسْقُف، مسلمان شد! ۵۲۵
۱۸۹. پاسخ دندان شکن ۵۲۷
۱۹۰. عاشورا به سال شمسی ۵۲۷
۱۹۱. غلط اندازی معاویه تا چه حد؟! ۵۲۷
۱۹۲. تَکَلَّمَ خدا یا پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج ۵۲۸
۱۹۳. دعا و نیایش ۵۲۹
۱۹۴. مکان‌های مقدس! ۵۲۹
۱۹۵. جوابی دندان شکن به معاویه ۵۳۰
۱۹۶. تیرگی را بین ۵۳۰
۱۹۷. کشته شدن ستمگر کربلا با نیزه افتخار ۵۳۰
- طلعت امام حسین علیه السلام ۵۳۲
- بخش ۳**
- فصل اول**
- چهل حدیث در جهاد، پاسداری و شهادت ۵۳۵
- پیش گفتار ۵۳۵
- ارزش فراگیری چهل حدیث ۵۳۵
- متن چهل حدیث و ترجمه آن ۵۳۶
- فصل دوم**
- داستان‌های آموزنده ۵۴۹
۱. درسی از وفار جان نثاری سگ ۵۴۹
۲. گوشه‌ای از جنایات معاویه، و شجاعت اَحْنَف ۵۵۱
۳. جوانمردی ۵۵۲
۴. اثر آیه قرآن و توبه یک زن عیاش ۵۵۴
۵. بوقلمون صفت ۵۵۶
۶. ارزش و آثار درخشان صلوة رحم ۵۵۸
۷. همسر دلاور زهیر، و اثر سخن او ۵۵۹
۸. غلط اندازی عجیب یزید ۵۶۳
۹. همسر با کمال عمر بن عبد العزیز ۵۶۵
۱۰. مسیحیان نجران محکوم می‌شوند ۵۷۰
۱۱. اجرای قانون برای همه ۵۷۲
۱۲. پذیرفتن سخن حق ۵۷۳
۱۳. جعفر کذاب، و کار شکنی‌های او ۵۷۵
۱۴. نمونه‌ای از امداد غیبی خداوند ۵۷۸

۱۵. حلال خدا را حرام نکنید ۵۷۹
۱۶. مخالفان علی علیه السلام با شعر، او را می ستایند ۵۸۰
۱۷. عظمت علی علیه السلام از دیدگاه دانشمند مسیحی ۵۸۲
۱۸. نهی از پرسش های بی مورد ۵۸۴
۱۹. کشف خیانت به وصیت؛ و قاطعیت پیامبر ﷺ ۵۸۴
۲۰. علامه حلی در محضر امام زمان علیه السلام ۵۸۵
۲۱. نهی از حرکت های ذلت بار ۵۸۸
۲۲. نام زن شیطان ۵۸۹
۲۳. دین یعنی حساب رسی ۵۸۹
- شفاعت در بیان ۵۹۲
۲۴. وسعت علم علی علیه السلام از نظر معاویه ۵۹۴
۲۵. آدم ترسو ۵۹۵
۲۶. نفوذ یک آیه قرآن ۵۹۶
۲۷. سعد و قاص در مدح علی علیه السلام سخن می گوید ۵۹۸
۲۸. اقرار عمر بن خطاب ۶۰۰
۲۹. چگونگی وفات مریم علیها السلام ۶۰۰
۳۰. دلداری به موسی علیه السلام در وقت مرگ ۶۰۲
۳۱. نقش یک روحانی در اجتماع ۶۰۳
۳۲. همه قضاوت های تو عجیب است! ۶۰۵
۳۳. اقتضای شیر مادر! ۶۰۶
۳۴. شفاعت امام حسین علیه السلام از آیت الله حائری ۶۰۷
۳۵. نتیجه احترام و احسان به سادات ۶۰۸
۳۶. سه کرامت از امام حسین علیه السلام ۶۱۰
۳۷. مسلمان شدن راهب نصرانی ۶۱۱
۳۸. استفاده از عاطفه در قضاوت علی علیه السلام ۶۱۳
۳۹. آپس قرنی، یا مرد عبادت و شمشیر ۶۱۴
۴۰. پاسخ علی علیه السلام به سؤال های یهودیان ۶۱۶
۴۱. تواضع و فروتنی ۶۱۸
۴۲. اهمیت داشتن ریش در صدر اسلام ۶۱۹
۴۳. نتایج اعمال ۶۲۰
۴۴. کرم و جوانمردی علی علیه السلام ۶۲۱
۴۵. اعدام عایشه توسط معاویه ۶۲۲
۴۶. نفرین پدر ۶۲۴
۴۷. سخن عمر و عاص در بستر مرگ ۶۲۵
۴۸. علی علیه السلام حلال مشکلات ۶۲۶
۴۹. پرفسور عرب قربانی غرور شد؟ ۶۲۷
۵۰. کیفر شهیدی که به امانت خیانت کرده بود ۶۲۹
۵۱. نهی پیامبر از دستبرد به امانت ۶۲۹
۵۲. از دواج علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام و جهیزه فاطمه ۶۳۰
۵۳. تجارت با خدا و نتیجه عمل صالح یک زن ۶۳۲
۵۴. پاسخ قاطع ابن عباس درباره از دواج مؤقت ۶۳۴
۵۵. منازعه چارلوس هتاک و معاویه در شأن علی علیه السلام ۶۳۵
۵۶. کرامتی عجیب از علی علیه السلام در دادگاه اسلامی ۶۳۷
۵۷. دو نمونه از علم علی علیه السلام ۶۳۹
۵۸. پاسخ علی علیه السلام به سؤال های عرب ناشناس ۶۴۰
۵۹. چند نمونه از رسوا شدنک مدعی علم ۶۴۳
۶۰. اصلاح بین زن و شوهر ۶۴۷
- فصل سوم**
- ذکر مصیبت چهارده معصوم و شهدای کربلا ۶۴۹
- بزرگواری امامان علیهم السلام و اثر گریه برای حسین علیه السلام ۶۴۹
۱. ذکر مصیبت پیامبر اسلام ﷺ ۶۵۰
- حسن و حسین علیهم السلام در بالین رسول اکرم ﷺ ۶۵۳
- مرثیه علی و زهرا علیهم السلام در سوگ رسول خدا ﷺ ۶۵۳
۲. ذکر مصیبت حضرت زهرا علیها السلام ۶۵۵
- مصیبت حضرت علی علیه السلام در سوگ زهرا علیها السلام ۶۵۸
۳. ذکر مصیبت حضرت علی علیه السلام ۶۶۱
- الف: خبر از شهادت علی علیه السلام ۶۶۱
- ب: ضربت خوردن حضرت علی علیه السلام ۶۶۱
- ج: گریه فرزندان علی علیه السلام ۶۶۳
- د: شهادت و خاک سپاری پیکر مطهر علی علیه السلام ۶۶۴
- گریه زینب علیها السلام در بالین علی علیه السلام ۶۶۵
۴. ذکر مصیبت امام حسن مجتبی علیه السلام ۶۶۶
- تیر باران جنازه امام حسن علیه السلام ۶۶۷
۵. ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام ۶۶۹
- اشعار جان سوز امام حسین علیه السلام ۶۶۹

- داغ کر بلا از زبان منتهال ۶۷۰
۶. ذکر مصیبت امام سجاد علیه السلام ۶۷۱
- ماجرای شهادت امام سجاد علیه السلام ۶۷۲
۷. ذکر مصیبت امام باقر علیه السلام ۶۷۳
۸. ذکر مصیبت امام صادق علیه السلام ۶۷۵
۹. ذکر مصیبت امام کاظم علیه السلام ۶۷۶
- زندان عیسی بن جعفر ۶۷۶
- زندان فضل بن ربیع و فضل بن یحیی ۶۷۷
- زندان سندی بن شاهک ۶۷۷
- چگونگی شهادت امام کاظم علیه السلام ۶۷۷
- زندان سخت ۶۷۸
۱۰. ذکر مصیبت امام رضا علیه السلام ۶۸۰
- حضرت رضا علیه السلام در خراسان ۶۸۰
- چگونگی شهادت حضرت رضا علیه السلام ۶۸۱
۱۱. ذکر مصیبت امام جواد علیه السلام ۶۸۳
۱۲. ذکر مصیبت امام هادی علیه السلام ۶۸۴
- امام هادی علیه السلام در تبعید و زندان ۶۸۵
- چگونگی شهادت امام هادی علیه السلام ۶۸۶
۱۳. ذکر مصیبت امام حسن عسکری علیه السلام ۶۸۷
- چگونگی شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ۶۸۸
۱۴. غم نامه حضرت مهدی (عج) ۶۹۰
- اندوه حضرت مهدی (عج) در سوگ امام حسین علیه السلام ۶۹۱
- سلام امام زمان بر پیکر قطعه قطعه امام حسین علیه السلام ۶۹۲
- یاد امام عصر علیه السلام از سه مصیبت امام حسین علیه السلام ۶۹۳
- ذکر مصایب شهیدان کر بلا ۶۹۳
۱. ذکر مصیبت وداع‌های امام حسین علیه السلام ۶۹۴
- وداع امام حسین علیه السلام با حضرت سجاد علیه السلام و ۶۹۵
۲. ذکر مصیبت حضرت عباس علیه السلام ۶۹۶
- ذکر مصیبت ام البنین علیه السلام ۶۹۸
۳. عبور مصیبت زندگان از کنار بدن‌های پاره پاره ۷۰۰
۴. سکینه علیه السلام و ذوالجناح ۷۰۱
- امام حسین علیه السلام در بالین حضرت عباس علیه السلام ۷۰۲
- امام حسین علیه السلام در بالین علی اکبر علیه السلام ۷۰۴
۵. ذکر مصیبت حضرت قاسم علیه السلام ۷۰۶
۶. ذکر مصیبت علی اکبر نخستین شهید بنی هاشم ۷۰۷
۷. ذکر مصیبت عبدالله رضیع و علی اصغر ۷۰۹
۸. ذکر مصیبت عبدالله بن حسن ۷۱۰
۹. ذکر مصیبت دیگر از امام سجاد علیه السلام ۷۱۱
۱۰. ذکر مصیبت حضرت رقیه علیه السلام ۷۱۱
- اشعاری در سوگ مصیبت خاندان رسالت ۷۱۳
- زیاتحال حضرت مسلم علیه السلام ۷۱۳
- مناجات امام حسین علیه السلام ۷۱۴
- به یاد حضرت امام سجاد علیه السلام ۷۱۴
- به یاد حضرت امام حسین علیه السلام ۷۱۵
- به یاد قمر بنی هاشم علیه السلام ۷۱۶
- به یاد سکینه علیه السلام هنگام دور کردن او از بالین پدر ۷۱۶
- به یاد امام حسین علیه السلام در بالین علی اکبر علیه السلام ۷۱۶
- خواب دین ناصر الدین شاه ۷۱۷
- به یاد دختر سه ساله امام حسین علیه السلام در شام ۷۱۸
- به یاد زینب علیه السلام بر سر قبر برادر در اربعین ۷۱۹
- به یاد وصیت حضرت زهرا علیه السلام به زینب علیه السلام ۷۱۹
- به یاد امام زمان علیه السلام ۷۲۰



پیش‌سخن :

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«مَا أَكْثَرَ الْعِبَرَ وَ أَقَلَّ الْإِغْتِبَارَ : درس‌های عبرت چه بسیارند و عبرت‌گیرنده اندک است.»^۱

در حقیقت، امیر مؤمنان علیه السلام در این عبارت کوتاه از مردم مغرور روزگار گله می‌کند، که چرا آن همه حوادث عبرت‌انگیز را می‌نگرند و عبرت نمی‌گیرند، و از درس‌های آموزنده، بهره نمی‌برند. بلکه بر همه لازم است که از اعماق جان عبرت گیرند و بیاموزند. آن حضرت علت عبرت نگرفتن را در عبارت دیگر، «حجاب غرور» می‌داند. آنجا که می‌فرماید:

«يَبْكُكُمْ وَ يَبْنِي الْمَوْعِظَةَ حِجَابٌ مِنَ الْغُرُورِ : بین شما و بین پندگیری از موعظه‌ها و عبرت‌ها، حجابی از غرور و غفلت، وجود دارد و این حجاب شما را از پندگیری باز می‌دارد.»^۲

در سال ۱۳۴۷ شمسی نگارنده بر آن شد که مطالب مختلف عبرت‌انگیز را جمع‌آوری و تنظیم نموده، و در دسترس مشتاقان قرار دهد. در این راستا سه جلد کتاب به نام «پندهای جاویدان» تا سال ۱۳۵۱ چاپ و منتشر شد و در همان عصر مورد استقبال همگان، به ویژه طلاب محترم قرار گرفت و چندین بار چاپ و منتشر گردید؛ ولی پس از مدتی نایاب شد و گاهی به طور نامنظم چاپ می‌شد، ولی غالباً نایاب بود، چنان‌که امروز نایاب است. مکرر از نگارنده خواستند تجدید چاپ گردد، اما چاپ جدید نیاز شدیدی به ویرایش لفظی و مطلبی داشت، تا تهذیب و تکمیل گردد؛ از این رو با حذف مکررات و بعضی از مطالب

نامناسب و جایگزین کردن مطالب سودمندتر، تصمیم گرفتم تا این سه جلد کتاب را به صورت یک جلد احیا کنم.

خداوند توفیق عنایت فرمود، و این کار انجام شد. با این امید که مطالب گوناگون آن در بهبود معنوی و کمالات این ناچیز و خوانندگان، سازنده و ثمربخش باشد.

هر سه جلد کتاب پس از تهذیب، ویرایش و تکمیل به سه بخش (هر بخش آن یک جلد آن است) به ترتیب زیر تنظیم گردید:

بخش اول: در چهار فصل که عبارتند از: ۱- شرح کوتاه ده آیه قرآن و ده حدیث؛ ۲- داستان‌های آموزنده؛ ۳- پندها و نکته‌ها و ضرب‌المثل‌های گوناگون؛ ۴- فکاهیات و اشعار آموزنده.

بخش دوم: شامل سه فصل است: ۱- ویژگی‌های بندگان خالص خدا در قرآن؛ ۲- داستان‌های آموزنده؛ ۳- پندها و نکته‌های گوناگون.

بخش سوم: در سه فصل که عبارتند از: چهل حدیث پیرامون جهاد، شهادت و پاسداری از دین؛ ۲- داستان‌ها و نکته‌های آموزنده؛ ۳- فرازهایی از ذکر مصایب خاندان رسالت علیهم‌السلام.
به امید آن که این مجموعه فرهنگی و ادبی، عبرت‌انگیز و آموزنده بوده و موجب رستگاری نگارنده و خواننده شود.

قم: محمد محمدی اشتهاردی

آذر ۱۳۷۸ ش، مطابق با رمضان ۱۴۲۰ هـ. ق

مقدمه از آیت‌الله سید مهدی لاجوردی حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

✽ قلم به یاری بیان!

✽ شرایط نویسندگی و گویندگی.

✽ توصیه به مبتغین و وعاظ.

✽ توصیه به گردانندگان مجالس وعظ و سوگواری!

تلاش و فعالیت روزانه بشر، برای رسیدن به هدف است. پر واضح است کسی که بی هدف کار می‌کند، همانند دیوانگان سرگردانی است که از همه چیز بی‌خبرند! بی‌شک، با فعالیت فردی نمی‌توان به مقصود همه جانبه انسانی نایل آمد. بادر نظر گرفتن این که انسان طبعاً اجتماعی است و از تنهایی و دوری از اجتماع، وحشت دارد، چنان که گفته‌اند: «انسان» از ماده «انس» است و او نمی‌تواند بدون انس با اجتماع زندگی کند. انسان‌ها با رشته‌های مرئی و نامرئی به هم مربوط هستند و کمال و ترقی انسان در سایه پیوند، ارتباط و تشریک مساعی است. و اصولاً هدف کتاب‌های آسمانی و پیامبران و مردان بزرگ عالم، محکم نمودن این رشته‌های اخوت و هماهنگی است.

پیشوای ششم امام صادق (ع) می‌فرمایند: «کلیه علوم انسان‌ها را در چهار موضوع یافتیم:

۱- خدا شناسی ۲- خود شناسی ۳- شناسایی هدف از خلقت انسان ۴- شناختن عوامل

انحراف‌کننده از دین.^۱

چه بسیار مردان بزرگی که از طریق نویسندگی، آثار ارزشمند علمی خود را برای آیندگان به یادگار گذاشتند!

درخت تو گریه بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را
بسوزند چوب درختان بی بر سزا خود همین است مری بری را^۲
قرآن کریم به «قلم» و «بیان»، فوق‌العاده احترام نموده آنجا که نام نامی این دو را بعد از نعمت خلقت و ایجاد آورده است:

در سورة مبارکه «عَلَقَ» می‌فرماید: «بخوان به نام خدایت که جهان را آفرید، همان خدایی که انسان (به این زیبایی) را از خون بسته خلق کرد. بخوان که خدایت بزرگ است؛ خدایی که با «قلم» دانش بخشید.»^۳

و در سورة مبارکه «الرحمن» می‌فرماید: «به نام خدای بخشنده‌ای که قرآن را تعلیم کرد، انسان را آفرید و به او «بیان» تعلیم نمود.»^۴

جای بسی شکر و افتخار است که در مجامع کنونی شیعه، (به خصوص در حوزه علمیه قم و نجف اشرف) نویسندگان گران مایه، دانشمند و گویندگان توانا و فاضل بسیاری داریم که بدون تظاهر و ریا و جار و جنجال، رنج‌های بسیاری برده، دورترین نقاط کشور را پیموده و به کمک قلم و بیان، حقایق مذهب شیعه را به مردم رسانده و در این راه خدمات دینی و اجتماعی بسیاری نموده‌اند. اگر روزی بیاید و آمار و بیلان خدمات اجتماعی و دینی آنان را ارائه بدهند، همه خواهند فهمید که آنان نقش بسزائی در پیشرفت همه جانبه و رشد اجتماعی، عقیدتی، اخلاقی و سیاسی دارند. **كُثِّرَ اللَّهُ أَمْثَالَهُمْ.**

۱. عن سفیان بن عیینہ قال: سمعتُ ابا عبد الله عليه السلام يقول: وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلَّهُ فِي أَرْبَعٍ: أَوَّلُهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَالثَّانِي أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ، وَالثَّلَاثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ، وَالرَّابِعُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ (اصول الكافي، ج ۱، ص ۵۰).

۲. دیوان ناصر خسرو.

۳. اِفْرَءْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ - خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ - اِفْرَءْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. در اسلام موضوع «قلم» به قدری دارای اهمیت است که در قرآن یک سوره به نام «قلم» نازل شده و در اول آن سوره می‌فرماید: «وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ: سوگند به قلم و به نوشته» (و اگر کلمه «ما» را مصدر به بگیریم، معنای آن چنین می‌شود: قسم به قلم و نویسندگی) برای کلمه قلم تأویلی هم شده که مراد، قلم تقدیر باشد.

۴. «الرَّحْمَنُ - عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ.» (آیه ۱ تا ۵)

شرایط نویسندگی و گویندگی

اهل اطلاع می‌دانند که نویسندگی و گویندگی، در بعضی از امور، شرایط مشترک و در برخی، شرایط مخصوص به خود را دارند. و در کتاب‌های مربوط، به طور مفصل، آداب و رسوم نویسندگی و گویندگی عصری را ارائه داده‌اند. ما در اینجا به طور اختصار اموری چند از شرایط عمومی گویندگی و نویسندگی را که هر کدام از جهاتی وجه اشتراک دارند خاطر نشان می‌سازیم.

۱- بیش از هر چیز اعتماد به نفس، خود باوری، شهامت، شجاعت و همت لازم است. باید آینده را از دریچه علمی و دلیری نگاه کرد و به گفته و نوشته خود ایمان داشت. زبانی که از قلب آمیخته به اطمینان، به حرکت در می‌آید، و قلمی که از انگشتان شهامت بار و عالمانه؛ روی صفحات را تزیین می‌کند، سخن و نوشته‌اش پرازنده می‌شود. و کسی که به خود بگوید من در این امر کامیاب و موفق می‌شوم بر اثر این تلقین، سرانجام روزی شاهد موفقیت را در آغوش خواهد گرفت.

۲- خونسردی و صبوری از ارکان اساسی نویسندگی و گویندگی است. پر واضح است؛ اگر انسان در هنگام سخنرانی و نوشتن، حالت عادی خود را از دست بدهد، به نتیجه نخواهد رسید.

سخن نرم گوی ای جهان دیده مرد میالای لب را به گفتار سرد^۱

۳- در سخنرانی و نویسندگی همیشه باید «هدف» داشته باشد، در هیچ حال هدف مطلوب را فراموش نکند، بی هدف سخن نگوید و قلم نزند.

۴- سعی کند گفته‌ها و نوشته‌هایش ابتکاری و تازه باشد و اگر مطالبی را بارها گفته‌اند، با لباس آراسته و نقش و نگارهای قلم و زرق و برق بیان، آن را به صورت جالب و تازه ارائه دهد، تا قلب‌ها را قبضه نموده و عواطف را مهار نماید.

۵- گوینده زیر دست و نویسنده برجسته آن است که: حتماً مراعات «فصاحت و بلاغت» را بنماید. از قدیم راجع به این دو موضوع توصیه اکید کرده‌اند و از شرایط اولیه گویندگی و نویسندگی به شمار آورده‌اند. به عبارت ساده‌تر باید گفته و نوشته او خالی از زواید و عبارات نا آشنا بوده و با کمال رسایی و سادگی به مقتضای سطح فکر اکثر شنوندگان و خوانندگان،

کلمات و واژه‌ها را قالب ریزی نموده و استخدام کند.

۶- سعی کند حاصل و محصول سخنرانی و نگاشته خود را شسته و پیراسته از حاشیه روی‌های بی‌مورد ارائه نماید، تا بعد از شنیدن گفتار او و خواندن نوشته‌اش، مطالبی عمیق و متقن دستگیر شنونده و خواننده شود. از مکررات ملال آور پرهیز کند، چه بسا تکرار زیاد یک کلمه به بهترین سخنرانی و مقاله، ضربه‌ای شکننده وارد می‌سازد!

۷- جای گفتگو نیست که معلومات مختلف در این دو امر، مدخلیت بسزایی دارد و هر چه سطح معلومات گوینده یا نویسنده بالاتر باشد و در به کار بردن نکات مناسب و عمیقی از رشته‌های مختلف علوم استادتر باشد، نگاشته‌ها و سخنرانی‌های او بیشتر خریدار خواهد داشت؛ چنان که در مورد سخن گفته‌اند: «کلام، جلوه متکلم و آینه سخنران است».

۸- شنیدن سخنرانی ناطقین برجسته و دیدن آثار نویسندگان برانزده و ملاحظه روش آنها در تهیه نطق و نویسندگی و طرز ورود و خروج آنها و این که چگونه جلب عواطف می‌نمایند و رمز موفقیت آنان چه بوده است؟، به نوبه خود بهترین راه شناخت راز پیشرفت در سخن گفتن و نوشتن است؛ چنان که گفته‌اند:

«خُذْ الْعِلْمَ مِنْ أَفْوَاهِ الرُّجَالِ : عِلْمٌ وَ دَانِسٌ رَأَى مِنْ كُفَّاتِرِ رِجَالٍ وَ شَخْصِيَّتِ هَآئِیْ بَرَجِسْتِه فَرَا
گیرید.»

۹- به کار بردن نکاتی تسخیری در لا بلای سخنرانی و نگارش، به خاطر جلب عواطف و احساسات شنوندگان و خوانندگان از اموری است که گفتن آن سهل است ولی به کار بردن به موقع آن مشکل می‌باشد. باید کاملاً احتیاط را مراعات کرده و حُسن ظنّ مستمعین و خوانندگان را نسبت به خود نگهداری نماید؛ تا ضعف و لغزشی از او نبینند، وگرنه سیاه از نظر آنها سفید جلوه می‌کند و سفید را سیاه می‌بینند!

چون غرض آمد هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به سوی دیده شد^۱

۱۰- تمرین کردن، ممارست نمودن، پرکاری، تهیه مطالب گوناگون، تنبلی و بی‌حوصلگی را از خود دور کردن، پشتکار و استقامت و... نیز در حد خود نقش شایانی دارند. و برخی از امور دیگر نیز هست، که انسان بر اثر ممارست به آن می‌رسد و درک می‌کند که

به کار بردن آن نکات، بسیار مورد پسند است و آن لطایف و رموز با تجربه، دستگیر سخنران و نگارنده می‌شود. چنانکه می‌گویند: سقراط حکیم، صفحه اول کتاب «جمهوریت» خود را صد بار عوض کرده است، و سعدی، اول کتاب «گلستان» را که با جمله: «مَنْتَ خدای را عزوجل...» شروع می‌شود، هفتاد بار تبدیل نموده است. به مصداق:

«أَنَا فِي كُلِّ يَوْمٍ رَجُلٌ : هر روز برای مرد عاقل آغاز زندگی تازه‌ای است.»

باید اشتباهات گذشته را جبران کرد. بدین جهت آنان در هر نوبه به نکاتی دقیق و لطیف برمی‌خورند و نواقص قبلی را برطرف می‌نمودند.

توصیه به مبلّغین و وعاظ

بیش از هر چیز، وعاظ و گویندگان مذهبی باید بکوشند، تا خود را به کمالات و فضایل معنوی و اخلاقیات اسلامی، آراسته کنند و از تمام آلودگی‌ها (بزرگ و کوچک) و ارسته شوند.

در مقام تبلیغ، نیت خود را صد در صد خالص کرده و برای جلب رضای خداوند و خشنودی پیغمبر ﷺ و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، مردم را ارشاد نمایند. چنان که امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «باعث آبروی ما باشید، نه مایه سرشکستی و کسر شأن ما».^۱

ناگفته پیدا است که هیچ چیزی در موضوع عظیم ارشاد و تبلیغ چون «تقوی و فضائل معنوی» نقش اساسی ندارد. چنان که شاعر می‌گوید:

گو به واعظ که چنان طرح سخن باید کرد که کس از مجلس وعظ تو پشیمان نرود
تا نشویم ز معموره دل رنگ نفاق کسار آبادی این ملک به پایان نرود
و دیگری می‌گوید:

دل و زبان چو یکی شد سخن بلند شود به هیچ جا نرسد طایری که یک بال است
سخن مبلّغی که به گفته‌های خود عمل نمی‌کند، چون کلوخی است که به سنگ می‌خورد، و گفته او نیز بی‌فایده است.

۱. کُونُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا. (بحار، ج ۸۸، ص ۱۱۹)

توجه به ده امر مهم در سخنرانی‌ها

پس از این مراحل، امور دیگری نیز لازم است مراعات شود که ما مختصراً در ذیل به صورت عناوین ده گانه انتخاب نموده‌ایم:

۱- احتیاط در زبان:

باید کاملاً احتیاط را مراعات کنند، هیچ مطلبی را بدون مدرک صحیح نگویند و اگر احیاناً مطلب از خود آنها است، به دیگری نسبت ندهند؛ دروغ گفتن به خصوص نسبت دادن آن به خدا و پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام باعث رو سیاهی دنیا و آخرت است. آیا شایسته است، انسانی که در مقام هدایت و ارشاد دیگران است، خود منحرف و گمراه باشد؟ آیا سزاوار است انسان، برای بیشتر گریاندن مردم و ... مرتکب گناه کبیره گشته و در روز قیامت خود را در آتش و گریه کنندگان را در بهشت بنگرد؟! اینک به این دو حدیث دقت کنید:

۱- علی علیه السلام می فرماید:

«إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَاسْتَدْوُوا إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ، فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ، وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ: هنگامی که خبری نقل می‌کنید آن را نسبت بدهید به آن کسی که به شما خبر داده است، اگر آن خبر راست است، نفعش را شما بردید و گرنه، ضررش (عقوبت اخروی) بر گوینده است.»

۲- از امام صادق علیه السلام در باره مخاطبان این آیه قرآن سوال کردند:

«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ وَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ: به آنان که گفتار را می‌شنوند و پیروی از نیکوترین آن می‌کنند مژده بده»^۱

فرمود:

«هُمُ الْمُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِذَا سَمِعُوا الْحَدِيثَ لَمْ يَزِيدُوا فِيهِ وَلَمْ يَنْقُصُوا عَنْهُ جَاؤُوا بِهِ كَمَا سَمِعُوهُ: آنها مسلمانان پیرو آل محمدند، آنانی که وقتی حدیث و خبری می‌شنوند، آن را کم و زیاد نمی‌کنند، به همانطوری که شنیده‌اند بازگو می‌کنند.»^۲

۱. سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸.

۲. بشاره‌الباقین، ص ۴ (مخطوط).

۲- احتیاط در خواندن آیات و روایات:

به خواندن آیات قرآن و روایات پیشوایان عظیم الشان اسلام علیهم السلام، احترام خاصی کنند، با کمال تعظیم و طمأنینه، بدون شتابزدگی، کلمات و جمله‌های آیات و احادیث را بسیار سنگین بیان کنند و ترجمه آنها را نیز به مطالب دیگر امتیاز بدهند. حتماً سعی کنند تا قواعد صرف و نحو (ادبیات) مراعات شود؛ باید از علوم ادبیات بهره کافی داشته باشند، که در معنای آیه و حدیث، نقش بسزایی دارد. اگر از روی قرآن، آیات را بخوانند، بهتر است و اثر شایسته‌تری دارد، حتی بعضی از علماء بزرگ چون علامه بزرگوار «شیخ مرتضی انصاری رحمته الله» خوشنود نبودند از اینکه آیات، از حفظ خوانده شود؛ و در کتب حدیث، بابی راجع به این موضوع عنوان شده است.^۱

۳- احترام به ذکر مصایب آل محمد (ص):

هنگام ذکر مصایب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام حتماً سعی کنند، با لحن‌های تحقیرآمیز و سخن‌های بی مورد، آن را کوچک تلقی ننمایند، خواندن مراثی را با کمال احترام و متانت القاء کنند، نام هر یک از شهدا به خصوص شهدای اهل بیت علیهم السلام را که به زبان می‌آورند، با کمال احترام و تعظیم نام ببرند و از گفتاری چون «ذلیل» و «بیچاره» و ... که از ساحت مقدس آنها دور است پرهیزند.^۲

«فکیف لا؟ فان الرّائی علی سیدالشّهداء هو الله سبحانه تعالی ثم اعظم الانبیاء

والمرسلین والملائکة المقرّیین : پس چرا چنین نباشد؟ که مرثیه خوان حضرت

سیدالشّهداء علیه السلام، خداوند و پیامبران و رسولان عظیم الشان و فرشتگان مقرب هستند»^۳

ما باید به خود ببالیم و افتخار کنیم و به درگاه خداوند شکر کنیم که این منصب بزرگ

۱. عن اسحق بن عمار، عن ابی عبدالله (ع) قال: «قُلْتُ لَمْ يُعَلِّتْ ذَاكَ إِنِّي أَخْطُئُ الْقُرْآنَ عَلَى قَلْبِي فَأَفْرَأُهُ عَلَى ظَهْرِ قَلْبِي أَفْضَلُ أَوْ أَنْظُرُ فِي الْمُصْحَفِ؟ قَالَ؟ فَقَالَ لِي: بَلْ إِرْأَهُ وَأَنْظُرْ فِي الْمُصْحَفِ فَهُوَ أَفْضَلُ. أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ النَّظَرَ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۳).

۲. گرچه در برخی از مراثی که به خود اهل بیت نسبت می‌دهند، کلماتی مشابه «ذلیل» دیده می‌شود ولی این نوع کلمات در فارسی عنوان ثانوی پیدا کرده و به نظر رکیک است.

۳. بشاره الباکین، و اسرار الشّهادة.

نصیب ما شده و از پروردگار بخواهیم، که این مقام را از ما بگیرد و در تمام عمر، این نعمت و موهبت عظیم را دارا باشیم.

۴- رعایت مقام شهداء :

چنانچه سخنی پیرامون هر یک از شهیدان راه خدا، به خصوص شهداء کربلا خاطر نشان می‌کنند، تنها به نام و به ذکر مصایب و مرائی، و این که چگونه مظلومانه شهید شدند اکتفا نکنند؛ بلکه با کمال ابهت، سابقه فداکاری، شهامت، دلاوری، وفا، گفتار و فضائل و مناقب آنان را بیان نمایند، اگر تنها به ذکر مصائب بپردازند، گویا فتوحات و پیروزی‌های بنی امیه (لعنة الله علیهم) را بازگو کرده‌اند!

آیا فرزند رشید امیر مؤمنان علی علیه السلام حضرت عباس علیه السلام آن جوان دلاور، راضی است، که درباره‌اش گفته شود: «رفت آب بیاورد، ظالمی دست راستش، سپس دست چپش را قطع کرد، پس از آن عمود آهنین بر فرق او وارد آورد، و صدای مبارکش به «یا اَبا اَدْرِكْ اَخَاكَ» بلند شد؟» و همین طور حضرت سیدالشهدا و علی اکبر و قاسم علیهم السلام و ...

بلکه هر یک از این بزرگان، با آن شجاعت خدادادی که داشتند، ده‌ها نفر، یا صدها نفر از فحول و شجاعان دشمن را به خاک هلاکت افکندند، سپس با جلال، شکوه، عزت و شوق به استقبال شهادت شتافتند!

آن کسی را شیعه بتوان گفت که از جان و دل در جیات خویش این برنامه را اجرا کند

۵- بیان فضایل و مناقب خاندان رسالت

بر واعظ و گوینده‌ای که بر عرشه منبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تکیه زده، سزاوار، بلکه ضروری و لازم است: قسمتی از سخنرانی خود را به بیان فضایل، مناقب، اخلاقیات، رفتار، کردار و حالات خاندان جلیل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اختصاص داده و کیفیت زندگانی آنان را چه در مواقع بروز جنگ، و چه هنگام امن، خاطر نشان سازد و با یادآوری مطالب مناسبی مستمعین را آماده شنیدن مصائب آنان نماید. و هنگام بیان مصیبت‌های اهل بیت علیهم السلام حالتی نورانی پیدا کرده، و با کمال اخلاص، خضوع، خشوع و توجه خاص که گویا سراسر وجودش از این مصائب ناراحت است و از قلبش آتش غم شعله می‌کشد، با قیافه حزن‌آور و غمگین بازگو کند.

«قَطُوبِي ثُمَّ طُوبَى، هَيِّنَا ثُمَّ هَيِّنَا لِمَنْ إِشْتَهَرَ بِوُظَيْفَةِ الرِّثَاءِ لِإِتِّغَاءِ وَجْهِ اللَّهِ وَلِخَاطِرِ حُجَّجِ اللَّهِ عَلَيْهِ».

۶- نشستن در جای مناسب و پوشیدن لباس فاخر!

شایسته است، آن کسانی که دارای این منصب پر افتخار (مبلغ اسلامی و ذاکر سیدالشهداء علیه السلام) هستند، وقار و متانت خود را از دست ندهند، هنگامی که وارد مجلس می‌شوند، در هر جای نامناسبی ننشینند... همان گونه که در زمان امامان علیهم السلام صاحبان این منصب در حضور امام می‌نشستند، و مشمول عنايات و الطاف آن بزرگواران می‌شدند. (پیدا است که این روش با تکبر و فخر فروشی فرق واضحی دارد).

تا آنجایی که توانایی مالی دارند، لباس‌های متین و پاکیزه بپوشند؛ چنان که بزرگان گفته‌اند:

«إِنَّ حُسْنَ لِبَاسِ الذَّاكِرِ يَصِفُ عِزَّ الذَّاكِرِ فِي نَظَرِ كُلِّ عَوَامٍ وَ خَوَاصٍّ : پوشیدن لباس‌های نیکو و با ارزش، نزد عوام و خواص، نیمی از عزت ذاکر را تأمین می‌کند.»

۷- احترام به بزرگان

کسانی که در راه ارشاد احکام اسلام، با شما همکار هستند؛ به خصوص اگر سن آنان بیشتر است، باید احترام آنان حفظ شود و حد و حدودشان مراعات گردد؛ زیرا آنان قبل از شما منصب پر افتخار نوکری در خانه امام را قبول کرده‌اند؛ مگر نه این است که قرآن می‌فرماید:

«السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ : پیشانان، مقدم هستند و آنان مقرب می‌باشند.»^۱

۸- لباس سیاه و پای برهنه!

برای بزرگداشت جانبازی پیشانان کربلا و شهادت رقت بار و جانگداز آن شهیدان پاکباز،

بسیار شایسته است، که صاحبان منصب تبلیغ، در دو ماه عزا (محرم، صفر) لباس سیاه بپوشند. و در روز تاسوعا و عاشورا، پای برهنه شوند، بلکه در این دو روز به سر و صورت خود خاک بپاشند و اهمیت فوق العاده به آن بدهند.

حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله علیه) می فرمودند: «در بروجرد مبتلا به درد چشم سختی بودم. هر چه معالجه کردم، رفع نمی شد، حتی اطباء آنجا از بهبودی چشم من مأیوس شدند؛ تا اینکه روزی در ایام عاشورا که معمولاً دستجات عزا برای عرض تسلیت به منزل ما می آمدند، نشسته بودم، اشک می ریختم، درد چشم نیز مرا ناراحت کرده بود. در همان حال گویا الهام به من شد، از آن گِل هایی که به سر و صورت اهل عزا مالیده شده بود به چشم خود بکشم، مقداری گل از شانه و سر یک نفر از عزاداران، به طوری که کسی متوجه نشد، گرفتم و به چشم خود مالیدم، فوراً احساس تخفیف درد چشم کردم و به این نحو چشم من رو به بهبودی گذاشت، تا این که به کلی درد آن برطرف شد.»

در چشم ایشان تا سن هشتاد و نه سالگی، ضعف دیده نمی شد؛ و پزشکان حاذق چشم، اظهار تعجب نموده و می گفتند: به حساب عادی ممکن نیست شخصی که مادام العمر از چشم خود این همه استفاده خواندن و نوشتن برده باشد، باز در سن هشتاد و نه سالگی محتاج به عینک نباشد!

۹- عزت نفس و بلند همتی!

حتماً از اموری که موجب خفت و کسر شأن می شود، و باعث بی احترامی و از بین رفتن وقار و ابهت می گردد اجتناب کند، عزت نفس و بزرگ منشی و روحیه قوی خود را از دست ندهد، و برای جیفه دنیا، پیش هر ناکسی کرنش و تملق ننماید؛ مستمعین را به یک چشم بنگرد؛ نه این که به اشراف و اعیان و ثروتمندان، تمایل بیشتر نشان دهد. به منزل و خانه اشخاص، پشت سر هم نرود، چنان که در حدیث است:

«لَا تَرْفَعُوا أَقْدَامَكُمْ إِلَيَّ مَنْ لَا يَعْرِفَ أَقْدَارَكُمْ: به جایی که قدر و منزلت شما را

نمی شناسند گام ننهید.»

۱۰- مراعات مقتضیات مجالس

پیر واضح است که مجالس ارشاد و تبلیغ و سوگواری از جهت کیفیت و کمیت، مکان و زمان و ایام، کم بودن مستمعین، کثرت آنان و سطح افکار آنان و ... متفاوت است، و مقتضیات آن مختلف می‌باشد. فروشنده، متاع خود را در موقع «تقاضا» عرضه می‌کند؛ بنابراین حتماً مقتضای حال را مراعات نماید.

طلبه‌ای از خطیب توانا و دانشمند محترم شیخ محمد تقی فلسفی رحمته‌الله پرسید: «برای منبر رفتن، چه کتابی را بخوانیم؟» ایشان در پاسخ فرمود: «کتاب سلیقه را.» آری سلیقه شناسی و سلیقه داری، هنر مهم گویندگی و نویسندگی است که بسیار مهم است. و همین طور باید ملاحظه وقت را بنماید و این که تا چه اندازه، مستمعین مایل به استماع هستند و اگر از حد مناسب بگذرد، ملال آور است و ... هر یک از این موضوعات اگر ملاحظه شود، بی شک نتیجهٔ ثمربخش خواهد داشت.

توصیه به گردانندگان مجالس و عظم و سوگواری!

ناگزیریم در این مورد از چند جهت مطالبی را خاطر نشان کنیم:

۱- تذکر به علماء و بزرگان دین

اعظام و رجال دینی، باید از هر نظر به مجالس و گردانندگان آن و گویندگان و ذاکران و ... به نظر احترام بنگرند، و از بنیان و تشکیل دهندگان مجالس، کمال قدر دانی را بنمایند. همهٔ افراد به خصوص رجال دینی و بزرگان باید به گویندگان مذهبی و ذاکرین مصایب حضرت سیدالشهداء علیه السلام اظهار محبت نمایند، و حتی هدایایی نفیس به آنها عنایت کنند؛ زیرا احترام و محبت به آنها، احترام و محبت به خود امام حسین علیه السلام و شهداء علیهم السلام است. مگر نه این است که از اخبار متعددی استفاده می‌شود که: فرشتگان در مجالس سوگواری حضرت سیدالشهداء علیه السلام حاضر می‌شوند، با گویندگان مصایب مصافحه می‌کنند و صورت، دهان و دست‌های آنان را می‌بوسند.

مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی عشق و افری به سوگواری و اقامهٔ مجالس اهل بیت علیهم السلام داشتند، و از این رو پس از مراجعت از نجف به بروجرد، تا آخر عمر علاوه بر کمک‌هایی که برای مجالس سوگواری، به تکیه‌ها می‌دادند، تمام ایام شهادت و ایام عاشورا و

ده روز آخر صفر را در منزل خود اقامه عزا می نمودند، و از کثرت علاقه ایشان به این مجالس بود که وصیت فرمودند: ثلث ترکۀ او وقف باشد و به مصرف روضه خوانی حضرت سیدالشهدا و سایر ائمه هدی علیهم السلام برسد. آن فقید سعید، بسیار از مجالس قدردانی می کردند، برای وعظ مقام ارجمندی قائل بودند، بلکه به هر کسی که کوچکترین ارتباطی به مجلس روضه خوانی داشت، احترام می کردند و می فرمودند: همان طور که حسین علیه السلام بزرگ و واجب الاحترام می باشد، منسوبین به آن حضرت نیز لازم الاحترام هستند.

۲- توصیه به بنیان مجالس و گردانندگان هیئت ها

متصدیان مجالس سوگواری، باید با کمال خضوع و خشوع و ادب از عزاداران قدردانی نموده و خوش آمد بگویند و شایسته است کفش های آنان را جفت نمایند، و اگر از کسی و یا از گوینده ای خلافی دیدند، در آن مجلس تذکر ندهند، و دل کسی را نشکنند، مگر نه این است که: امامان معصوم علیهم السلام پس از الطاف و عنایات بسیار به ذاکرین، می فرمودند:

«مَرْحَبًا لِمَادِحِنَا وَ نَاصِرِنَا بِتَدْوِ لِسَانِهِ : أَفْرِينَ بِهَ أَنَا كَمَا رَا بِأَعْمَلِ وَ زَبَانِ سَتَائِشِ وَ یَارِی می کنند.»

۳- توصیه به اهل مجلس و شنوندگان

اهل مجلس نیز باید در نگهداری احترام و ابهت آن، کمال مراقبت را بکنند، از اعمال و گفتار نامناسب اجتناب نمایند و بدانند که صاحب عزا، خدا، ارواح انبیاء، پیامبر اسلام، ائمه اطهار علیهم السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشند و آن بانوی دو عالم به آنان خوش آمد می گوید و فرشتگان و ارواح پاک مردان خدا، متوجه به آن مجالس است. و از کرداری که بر خلاف ادب و متانت و اخلاق است، دوری نموده و از گفتار مادی و دنیوی پرهیز نمایند؛ و با توجه و اخلاص و نیت پاک، عزاداری کنند.

کتاب ارزشمند پندهای جاویدان نوشته فاضل دانشمند، نویسنده توانا، آقای محمد محمدی اشتهاوردی، کتاب بسیار نفیس و ارزنده ای است که با سبک خاص و اسلوب جدید تألیف شده است.

قسمتی از آن را مطالعه کردم و بر خود لازم دانستم، به عنوان قدردانی از زحمات ایشان،

مقدمه‌ای بر آن بنویسم؛ تا بدین وسیله هم از ایشان قدردانی نموده و هم توشه‌ای برای آخرت خویش فراهم نمایم؛ گرچه خود را سزاوار نمی‌دیدم، ولی با در نظر گرفتن جهات فوق، با کمال اشتیاق پذیرفتم. امیدوارم مورد عنایات حضرت ولی عصر (آزواجنا فداء) گردد.

در خاتمه موفقیت روز افزون ایشان و تمام نویسندگان و گویندگان خدمتگزار و دلسوز را از خداوند مسئلت می‌نمایم.

پرورگار! بشر را به راه راست رهبری کن! دل‌های آنان را به سخنان حکیمانه خود که توسط پیامبران عزیزت، گوشزد کرده‌ای روشنی بخش، و پرده‌های تیره خود بینی را از جلو چشم واقع بینی بشر برانداز!

خداوند! ما را به مقام یارانی که از چمشمه زلال «خداشناسی»، «خودشناسی»، «دین‌شناسی» و «شناختن عوامل بی‌دینی» برخوردارند بارده! و لحظه‌ای بین ما و خاندان جلیل پیامبر اکرم (ﷺ) جدایی نیفتد. زیارت و شفاعت آنان را در دنیا و آخرت نصیب ما گردان.

حوزه علمیه قم

سید مهدی لاجوردی حسینی

ربیع الاول ۱۳۸۹ ه. ق